



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف
کدپستی ۱۶۱۱۹، صندوق پستی ۴۷۷-۱۹۵۷۵
تلفن: ۷۷۶۰۱۰۲۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳
www.mahoor.com info@mahoor.com

موسیقی ایران

نوشته‌ی روح‌الله خالقی

بازنویسی و یادداشت‌ها: فرهود صفرزاده

ویراستار: محمد افتخاری
طرح روی جلد: سیاوش یعقوبی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: افسانه امیری
چاپ اول: ۱۳۹۱
تعداد: ۲۰۰۰ جلد
لیتوگرافی: کارا
چاپ و صحافی: سعدی

© حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹-۳۱-۸۷۷۲-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۳۱-۹ ISMN: 978-964-8772-31-9

فهرست مطالب

۹	• مقدمه
۱۱	• روح الله خالقی و ماهنامه‌ی پیام نوین
۱۳	• پیشگفتار
۱۵	• مقدمه‌ی تاریخی
۱۵	دوره‌ی هخامنشی
۱۸	دوره‌ی سلوکی و اشکانی
۱۸	دوره‌ی ساسانی
۲۶	دوره‌ی اسلامی
۲۷	خلفای اموی یا بنی امیه
۲۷	خلفای عباسی یا بنی عباس
۳۰	ابراهیم بن ماهان موصلی
۳۰	اسحاق بن ابراهیم موصلی
۳۲	ابوالفرج اصفهانی
۳۳	• نهضت علمی موسیقی
۳۵	ابونصر محمد فارابی
۳۶	ابوعلی سینا
۳۶	صفی‌الدین عبدالؤمن ارموی
۳۸	قطب‌الدین محمود شیرازی
۳۹	عبدالقادر بن غیبی مراغی
۴۱	• شعر و موسیقی
۴۳	ابو حفص سغدی سمرقندی
۴۳	رودکی سمرقندی
۴۴	فرخی سیستانی
۴۵	منوچهری دامغانی
۴۷	نظامی گنجوی

۶ موسیقی ایران

۴۷	جلال‌الدین مولوی بلخی
۴۸	دوره‌ی معاصر
• موسیقی قدیم ایران	
۵۱	آغاز موسیقی در نظر پیشینیان
۵۳	صوت و موسیقی
۵۵	ابعاد موسیقی
۵۶	سازهای موسیقی
۵۶	نت‌نویسی با حروف ابجد
۵۸	مقامات موسیقی
۵۹	ایقاع
۶۰	تأثیر نغمات
• هنرمندان موسیقی	
۶۳	پیش از اسلام تا دوره‌ی تیموریان
۶۳	دوره‌ی صفویه به بعد
۶۴	نوازندگان تار و سه‌تار
۶۷	نوازندگان کمانچه و ویولن
۶۸	نوازندگان سنتور
۶۹	نوازندگان قانون و عود
۶۹	نوازندگان نی
۷۰	نوازندگان تمبک و خوانندگان تصنیف و آوازهای ضربی
۷۰	تعزیه‌خوان‌ها و روضه‌خوان‌ها
۷۰	آوازخوان‌ها
۷۱	خوانندگان تصنیف، ترانه و آهنگ‌های محلی
۷۱	صنعتگران سازنده‌ی ساز
• سازهای موسیقی	
۷۳	چنگ
۷۳	عَرَبْک
۷۴	رُبَاب
۷۵	کمانچه
۷۶	بَرَبْت
۷۷	تَنبُور

فهرست مطالب ۷

۷۸	سه‌تار.....
۷۸	تار.....
۷۹	دوتار.....
۸۰	ستور و قانون.....
۸۱	نی.....
۸۱	سُرنا.....
۸۲	کَرنا.....
۸۲	تمبک.....
۸۲	دف و دایره.....
۸۳	نقاره.....
۸۳	گورگه.....
۸۳	دهل.....
۸۴	نقاره‌خانه.....
● نعمات موسیقی.....	
۸۹	قطعات ضربی ردیف.....
۹۰	آهنگ‌های محلی.....
۹۰	رنگ.....
۹۰	چهارمضراب.....
۹۰	پیش‌درآمد.....
۹۱	سرود.....
۹۱	آهنگ‌های توصیفی.....
۹۱	تصنیف.....
۹۴	ترانه.....
● هم‌نوازی.....	
● موسیقی کنونی ایران.....	
۱۱۱	موسیقی ردیفی - دستگاهی.....
۱۱۲	موسیقی محلی (فولکلور).....
۱۱۲	تصنیف و ترانه.....
۱۱۳	موسیقی بی‌کلام.....
● آموزش و تعلیمات موسیقی.....	
۱۱۵

۸ موسیقی ایران

- سخن پایانی ۱۲۳
- یادداشت‌ها ۱۲۵
- کتابنامه‌ی یادداشت‌ها ۱۴۱

مقدمه‌ی تاریخی

هر چند کشور ایران دارای تاریخ قدیمی پُرارزشی است که از بیست و پنج قرن آن آثار کتبی یا سنگ‌نوشته‌های تاریخی، حجاری و غیره باقی است ولی در مورد [پیشینه‌ی] موسیقی مدارک نوشته‌شده، به‌خصوص آنچه مربوط به دوره‌های کهن می‌باشد، کم است و اصولاً به جهات مختلف، که بعد اشاره خواهد شد، به‌ندرت در کتاب‌های تاریخی ما از هنرها و خاصه موسیقی سخن به میان آمده است. به همین جهت اطلاعات ما هم در این باره زیاد نیست ولی هر چه هست آن‌ها را می‌توان فهرست‌وار به شرح زیر [بیان] نمود.

دوره‌ی هخامنشی

از موسیقی این دوره اطلاع کافی نداریم ولی کشوری که خود را رقیب یونان می‌دانسته و با آن سرزمین که مردمش تمدن عالی داشته‌اند روابط تاریخی داشته و از حیث آثار صنعتی نمونه‌های پُرارزشی مانند حجاری‌های تخت جمشید به یادگار گذاشته، بی‌شک، از موسیقی هم بی‌بهره نبوده است. از این گذشته، چون دولت هخامنشی جانشین دولت‌های متمدن زمان خود، مانند عیلام، آشور، کلدیه، بابل و حکومت‌های آسیای صغیر، چون لیدییه^۱ [لیدیا]، فریگیه^۲ [فریگیا] و غیره گردیده، قاعدتاً باید از هنرهای آن‌ها هم تا آنجا که مطابق ذوق ایرانی‌ها بوده، اقتباساتی کرده باشد. ملل مشرق‌زمین قبل از تأسیس دولت هخامنشی، یا در همان زمان، همه‌ی سازهای مختلف [را] داشته‌اند؛ چنان که نمونه‌های [سازهایشان] در حجاری‌هایی که

از مصری‌ها، سومری‌ها، عیلامی‌ها، آسوری‌ها، هندی‌های قدیم و غیره باقی مانده‌اند هم‌اکنون دیده می‌شوند. در کتاب‌های تاریخ موسیقی از این [سازها] و نوازندگان و رقصان بی‌آنکه نام و نشان‌شان باقی مانده باشد گفت‌وگو در میان است ولی تعجب [این] است که از دوره‌ی هخامنشی چنین نمونه‌هایی به‌جای نمانده‌اند.

هرودت [Herodotus ۴۸۴ - ۴۲۵ ق.م] مورخ مشهور یونانی در [کتاب] تاریخ خود راجع به ایرانی‌ها می‌نویسد:

ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی به خدا و مقدسات خود مَدَبِج ندارند، آتش مقدس روشن نمی‌کنند، بر قُبور شراب نمی‌پاشند ولی یکی از موبدان حاضر می‌شود و یکی از سرودهای مقدس مذهبی را می‌خواند.^۳

اما آنچه معلوم است [خواندن] این سرود با [نواختن] سازی همراه نیست. از گفته‌ی هرودت چنین برمی‌آید که ایرانیان قدیم موسیقی مخصوصی برای تشریفات مذهبی داشته‌اند و شاید سرودی که هرودت به آن اشاره می‌کند از سرودهای اوستا بوده، زیرا قسمتی از کتاب یسنا که موسوم به گاتها و قدیمی‌ترین قسمت اوستا می‌باشد شامل سرودهای مؤثری است که به احتمال قوی آهنگ‌دار و موزون بوده‌اند. این سرودهای هفده‌گانه در اواسط کتاب یسنا واقع شده‌اند و تصور می‌رود که از [سرودهای] خود زرتشت باشند. این سرودها را می‌توان شعر یا نثر مُسَجَّع دانست که به عقیده‌ی مورخان دارای وزن و آهنگ مخصوص بوده‌اند.^۴

از طرف دیگر، قوم ایرانی که در اصل با هندی‌ها یکی بوده و از یکی از شاخه‌های مهم نژاد آریایی جدا شده، از آغاز با [هندی‌ها] جهات مشترکی داشته است، چنان که کتاب مذهبی هندی‌ها موسوم به ودا که یادگار قدیمی زبان سانسکریت است نیز شامل سرودها و ترانه‌های مذهبی و ادبی نژاد آریایی است. از مقایسه‌ی مطالب کتاب ودا و [کتاب] اوستا به خوبی معلوم می‌شود که قوم ایرانی و [قوم] هندی فرزندان یک مادرند و احساسات و طرز تفکر و کیفیات ذوقی آن‌ها جنبه‌های مشترکی داشته‌اند، چنان که هنوز هم موسیقی ایران و هند دارای شباهت‌هایی به هم می‌باشند. تصور می‌کنم برعکس مذهب هندی‌ها که از آغاز با رقص و موسیقی موافقت

حسّ شجاعت و دلیری سربازان و کامیابی آنان در میدان نبرد وسیله‌ی بسیار مؤثری بوده، اما معلوم نیست که این سرودها در چه پرده‌ای بوده و با چه شعری تلفیق می‌شده‌اند. مطلب دیگری که از گفته‌ی زنون می‌توان درک کرد این است که مردمی که موسیقی مخصوصی برای میدان نبرد داشته‌اند بی‌شک آن قدر با نغمه و آهنگ آشنا بوده‌اند که برای هنگام فراغت و بزم و شادی نیز از موسیقی مناسب دیگری استفاده کنند، چنان که هرودت در [کتاب] تاریخ خود مکرراً از کلمه‌ی «نی» که به وسیله‌ی ایرانیان نواخته می‌شد گفت‌وگو کرده است.

[دوره‌ی سلوکی و اشکانی]

پس از دوره‌ی هخامنشی چون اسکندر و جانشینان او [در دوره‌ی سلوکی] یونانی بودند و، از آن پس، اشکانیان هم خارجی به شمار می‌رفتند نسبت به آثار تمدن ایرانی ابراز علاقه نمی‌کردند. در این زمان تمدن یونان در ایران نفوذ کرد [و] شاید از موسیقی یونان نیز اقتباس و استفاده شده باشد. مثلاً به طوری که می‌گویند یکی از پادشاهان اشکانی، موسوم به اُرد اول، دوستدار ادبیات یونانی بود و در مجالس او نمایش‌های یونانی، مانند تصنیفات اورپید [Euripides (۴۸۰-۴۰۶ ق م)] شاعر یونانی را که نمایش‌های حزن‌انگیز او معروف است، نمایش می‌دادند. شاید همان کسانی که از نمایش‌های یونانی اطلاع داشته و آن‌ها را بازی می‌کرده‌اند از موسیقی یونان هم بهره‌ای داشته و در موقع مناسب نغمه‌های یونانی [را] نیز می‌خوانده‌اند ولی [این موضوع] حدسی است که مدرک کتبی هم‌راهِ آن نمی‌باشد.

دوره‌ی ساسانی

از آنجا که پادشاهان ساسانی ایرانی نژاد بودند و به بسط و توسعه‌ی تمدن ایرانی علاقه‌ی مخصوص داشتند در دوره‌ی آن‌ها علوم و هنرهای ایرانی ترقی کرد و، در نتیجه، موسیقی هم در اثر تشویق آن‌ها رونق گرفت.

اردشیر [پاپکان یا اردشیر اول، بنیان‌گذار سلسله‌ی] ساسانی مردم را به طبقات مختلف تقسیم کرده بود که، از آن جمله، موسیقی‌دان‌ها طبقه‌ی خاصی را تشکیل می‌دادند و در

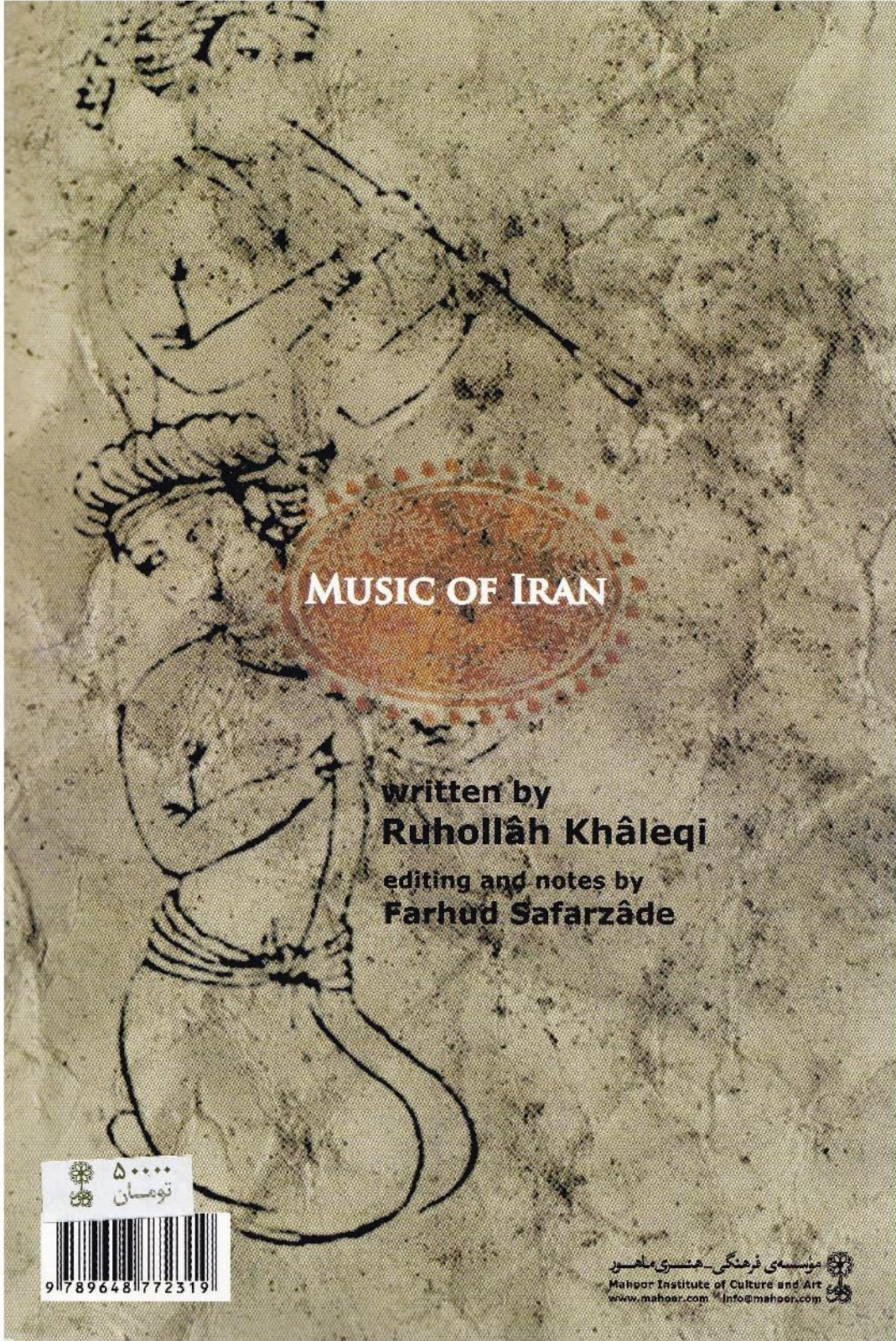
مقدمه‌ی تاریخی ۱۹

نزد او مقامی مخصوص داشتند.^۸ ذوق ادبی و [موسیقایی] بهرام گور معروف است. جهان که نوشته‌اند وی چهارصد تن نوازنده و خواننده از هند به ایران آورد و در زمان او موسیقی‌دان‌ها بر سایر طبقات مردم مقدم بودند و او آن‌ها را نوازش بسیار می‌کرد.^۹ موسیقی [در] دوره‌ی ساسانی مخصوصاً در زمان خسرو پرویز بیشتر ترقی کرد. بارید موسیقی‌دانِ خاصِ او بود که در کتاب‌های ادبی و تاریخی، مانند شاهنامه‌ی فردوسی و خسرو و شیرین نظامی، حکایاتی از او نقل شده‌اند. به طوری که نوشته‌اند بارید مختص نغمه‌هایی است که آن‌ها را در مجلس خسرو پرویز می‌نواخته و مشهور است که وی سیصد و شصت نغمه‌ی موسیقی برای روزهای سال [تقویم ساسانی] ساخته و هر روز یکی از آن‌ها را که مناسب موقع بوده، می‌نواخته است تا خسرو [پرویز] از تکرار نغمات موسیقی خسته‌خاطر نشود. مقام او نزد خسرو [پرویز] به آن پایه بود که هر کس حاجتی داشت مطلب خود را به وسیله‌ی او به عرض شاه می‌رسانید. از جمله هنگامی که اسب محبوب سلطان، موسوم به شب‌دیز، مُرد و کسی را جرئت اظهار آن نبود بارید نغمه‌ای در این زمینه سرود و خسرو [پرویز] را از حادثه آگاه نمود. [می‌گویند] شاه گفته بود هر کس خبر مرگ شب‌دیز را بدهد کشته خواهد شد ولی بارید به سبکی هنرمندانه پادشاه را از این خبر آگاه کرد. خسرو [پرویز] با تغییر خاطر پرسید: وای بر تو! شب‌دیز مُرد؟ بارید جواب داد: تو خود گفتی [شب‌دیز مُرد].

نظامی [گنجوی] اسامی سی لحنِ بارید را که برای سی روزِ ماه سروده، در مثنوی خسرو و شیرین آورده است. به گفته‌ی وی پس از اینکه سه روز خسرو پرویز از مرگ بهرام [چوبین] ماتم‌زده و دل‌تنگ بود روز چهارم مجلس بزمی آراست:

سه روز اندوه خورد از بهر بهرام	نه با تخت آشنا می‌شد نه با جام
چهارم روز مجلس تازه کردند	غناها را بلند آوازه کردند
فلک چون شد ز نوش ساقیان مست	غم دیدار شیرین بُردش از دست
طلب فرمود کردن بارید را	وزو درمان طلب شد درد خود را
درآمد بارید چون بلبل مست	گرفته برتسی چون آب در دست
ز صد داستان که او را بود در ساز	گزیده کرد سی لحنِ خوش‌آواز
به برت چون سر زخمه درآورد	ز رود خشک بانگِ تر برآورد

نام‌هایی که نظامی در خسرو و شیرین آورده، معلوم نیست [نام‌های] همان



MUSIC OF IRAN

written by
Ruhollâh Khâleqi
editing and notes by
Farhud Safarzâde

۵۰۰۰
نومسان
9 789648 772319

موسسه فرهنگی-هنری ماهور
Mahoor Institute of Culture and Art
www.mahaer.com * info@mahaer.com